



«مژده میلاد عیسی»

نو بر پا نماید ، به همین دلیل اینها بودند که با مسیح مخالفت کردند چون طبق خواسته آنها عمل نکرد. پاسخ مثبت مریم به فرشته نشانگر ایمان او به کلام خداست ، ایشان باور کرد که با فیض و قدرت روح القدس علیرغم اینکه باکره است و مردی را نمی شناسد می تواند آبستن شود و پسری را بزاید و نام او را عیسی خواهد گذاشت که معنی اش «خدای نجات دهنده» می باشد.

اطاعت مریم از کلام خدا به نبوت اشعیاء نبی که در قرن هشتم قبل از میلاد میزیستند تحقق بخشید. "پس در این صورت خداوند خودش به شما علامتی خواهد داد و آن این است که باکره حامله شده پسری خواهد زاید که نامش عمانوئیل یعنی خدا با ماست" (کتاب اشعیاء باب ۷ آیه ۱۴). و همچنین با گفتن «آری» مریم به فرشته نبوت میکای نبی به انجام رسید "ای بیت لحم ، گرچه تو از کوچکترین شهرهای یهودا هستی ، ولی از تو پیشوایی ظهور می کند که نسل او از قدیم داشته است . و بر قوم اسرائیل حکمرانی خواهد کرد" (کتاب میکا باب ۵ آیه ۲). الیزابت مادر یحیی تعمید دهنده زمانی که مریم به ملاقات او رفت ، او را برای ایمانش به کلام خدا تحسین نمود و گفت: "خوشا بحال آن زنی که باور میکند که وعده خداوند برای او به انجام خواهد رسید" (انجیل لوقا باب ۱ آیه ۴۵). و مریم در پاسخ به او فرمود: "جان من خداوند را می ستاید و روح من در نجات دهنده من ، خدا، شادی میکند ، چون او به کنیز ناچیز خود نظر لطف داشته است . از این پس همه نسلها مرا خوشبخت خواهند خواند ، زیرا آن قادر مطلق کارهای بزرگی برای من کرده

دوستان گرامی ، زمان «سوبارا» که اکنون در آن بسر می بریم ، به ما مژده نزدیک شدن عید میلاد نجات دهنده ما را میدهد. کلمه «سوبارا» که به زبان آرامی می باشد معنی امید و خبر خوش را دارد. پولس رسول در رساله اش به غلاطیان اینطور می فرماید: "اما وقتی زمان معین فرا رسید ، خدا فرزند خود را که از یک زن و در قید شریعت متولد شده بود ، فرستاد تا آزادی کسانی را که در قید شریعت بودند فراهم سازد و تا ما مقام فرزندی را به دست آوریم" (باب ۴ آیه ۴-۵).

طبق انجیل لوقا آن «زمان معین» زمانی بود که فرشته خدا جبرائیل به نزد دختری باکره به نام مریم فرستاده شد تا خبر تولد عیسی مسیح نجات دهنده عالم را به او برساند. "مریم به فرشته گفت : این چگونه ممکن است من باکره هستم . فرشته به او پاسخ داد: روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند و به این سبب آن نوزاد مقدس ، پسر خدا نامیده خواهد شد مریم گفت باشد من کنیز خداوند هستم ، همانطور که تو گفתי بشود و فرشته از پیش او رفت . " (باب ۱ آیه ۳۴-۳۸).

مریم مقدس جزو گروهی از یهودیان بود که بنام «فقیران یهوه» معروف است ، چون با قلبی مسکین و فروتن در انتظار آمدن مسیح موعود بسر می بردند تا آنها را از بردگی گناه و مرگ ابدی نجات دهد. در حالیکه یهودیان دیگر در انتظار یک مسیح و نجات دهنده دنیوی و سیاسی بوده تا آنها را از سلطه رومیان که کشورشان را اشغال میکردند رها سازد و مملکت بزرگ پادشاه داود از

تو را سلام که امید و زندگی از تو پا به جهان
می گذارد

تو را سلام که خیمه مقدس پسر خدا هستی
تو را سلام که باکره ، فرزندی زایی
تو را سلام ای درخشانترین نورها
تو را سلام ای کاخ امید و آرزوی دل پادشاه متعال
تو را سلام که هر چه نکو است از سینه تو سرچشمه
می گیرد
تو را سلام چون از تو بوجد آمد
پیشگام شادی خلقت»

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران



است ، نام او مقدس است " (انجیل لوقا باب ۱ آیه ۴۶-۴۹).

دوستان عزیز : شما را دعوت میکنم تا همراه مریم مقدس به پیشواز عید میلاد منجی بشریت خداوندمان عیسی مسیح بشتابیم . از این مادر بسیار پر فیض و برکت یاد بگیریم تا با قلبی فروتن و پاک گوش به کلام خدا فرا دهیم ، آنرا مورد تأمل و تعمق قرار داده تا اینکه منشأ پیشرفت در زندگی مسیحی و روحانیمان باشد . همانند مریم مادر کلیسا به روح القدس اجازه دهیم و با او همکاری کنیم تا رابطه ما با شخص عیسی مسیح رابطه ای سطحی و گسستنی نباشد ، بلکه روز به روز عمیقتر و محکمتر شود. چنانکه مریم باکره توسط روح القدس باردار شد و به پسر خدا سرشت انسانی را بخشید ما نیز به عنوان مسیحی دعوت شده ایم تا عیسی را در زندگی خود مجسم کرده و او را به جهانیان نمایان سازیم . مژده میلاد مسیح از مریم مقدس توسط روح القدس ، به گونه ای اسرار آمیز رسالت آینده کلیسا را اعلام میکند ، کلیسائیکه پس از نزول روح القدس به سمت همه ملتها خواهد رفت تا مژده شادی آور انجیل را به آنها برساند. از این بابت مریم مقدس الگوی کامل رسول و شاگرد مسیح میباشد . در طول این ایام که ما را به عید شکوهمند تولد پسر یگانه خدا نزدیک میکند فضایی مناسب و شایسته را جهت پذیرفتن این مهمان آسمانی بی نظیر تدارک ببینیم تا خانواده های ما از نور و صلح و صفای او مملو شوند. ویژگیهای این فضا باید توبه عمیق ، فقر روحانی ، فروتنی ، شادی همراه با دعای قلبی باشد. از مریم عذرا ، مادر ما ، بخواهیم تا ما را در پیمودن این راه همراهی نماید. اکنون به سرود کلیسا که یک تعمق بر مژده فرشته به مریم مقدس است توجه کنیم :

در آن هنگام فرشته جبرائیل به مریم عذرا
تولد خجسته عیسی ، نجات دهنده ما را بشارت داد
و با بیم توأم با احترام به او چنین اعلام کرد:
«تو را سلام ای مادر منجی و داور ما
تو را سلام که از تو نجات دهنده آفاق ظهور میکند

ج) دعا یعنی پذیرفتن

خدا در ما حاضر است، و این حضور حاصل سعی ما و یا حتی آرزوی ما نیست، بلکه ورای همه آرزوها و سعی انسان خدا با تک تک ما است. این برکت از راه عطای کلامش به انسان ملموس تر و عمیق تر گشت. همه عهد قدیم مقدمات این "پذیرفتن" را فراهم میکند. اما با انسان شدن خدا در عیسی، خود خدا این تدارک را به او جش رساند: کلمه جسم گرفت و در میان ما ساکن شد (یوحنا ۱/۱۴). کلام خدا از ما میخواهد که پسر خدا را بپذیریم و مسکن او شویم تا از این راه زندگی عیسی در ما جریان یابد. وقتی به اینجا رسیدی می توانی خدای خود را "با" صدا کنی: زیرا او یک واقعیت درونی است و نه بیرون از تو. حضور او در ما، به مثابه یک کشف، یک آرزو و ندایی دائمی است؛ و گاهی بینهایت ساکت. اما این سکوت به نشانه بی تفاوتی نیست، بلکه سکوت در مقابل حریم یک شخص دیگر!

د) دعا یک پیوند است

بعد از قرائت کلام خدا، نسبت به حضور خدا حساس تر میشوی، بنابراین میل به ایجاد ارتباط با او در تو ایجاد میشود. دعای باجگیر را در انجیل لوقا سرمشق خود قرار بده که در مقابل خدا آنطور که هست میایستد و لااقل برای خدا جا نماز آب نمیکشد؛ بلکه با فروتنی و پشیمانی حاصل از آن در مقابل خدا حاضر است (لوقا ۱۳/۱۸). فقط در صورتی که قادر به چنین واقع بینی ای باشیم و با یک تواضع حقیقی آن را در حضور خدا بپذیریم، میتوانیم با خدا بمانیم. خواهید دید که برآستی تجربه عمیق و زنده ای میباشد. وقتی دعا میکنیم، اگر با کلمات خودمان باشد، همان باعث میشود که روح خدا از درون ما طلبد شود. عیسی ما را با این کلمات آموخت: «اگر شما که جایز الخطا هستید میدانید چگونه چیزهای خوب را به فرزندانمان بدهید، چقدر بیشتر پدر آسمانی، روح القدس را به آنانی که از او تقاضا میکنند، عطا خواهد فرمود» (لوقا ۱۱/۱۳). فقط روح القدس میتواند در ما کلماتی را جاری سازد که دعای ما برآستی ملاقات ما با خدا گردد. او به ما میآموزد تا از خدا سپاسگزار باشیم، او را تمجید کنیم و درخواستمان را بیان کنیم. با هدایت روح القدس میتوانیم با خدا باشیم. اگر به روح هدایت شویم، او ما را با خدا پیوند میدهد. با چنین طرز دعا، کم کم خواهی فهمید که خدا چقدر ما را دوست میدارد؛ نه فقط، بلکه خدا از محبتش به ما میبخشد و ما قادر خواهیم بود که با محبت او دیگران و حتی دشمنانمان را نیز محبت کنیم.

ه) دعا یک تعمق است

دعای واقعی ما مسیحیان نگریستن (یا شنیدن) خدا است، آنقدر که کم کم قادر شویم با چشم او به حقایق بنگریم. قادر خواهیم بود که به "ورا" بنگریم، به جستجوی "اعماق" بپردازیم و در نهایت فیض خدا را همه جا دریابیم. حضرت بندیکت قبل از مرگش، شبی در حالی که از پشت پنجره به تاریکی مه آلود بیرون خیره شده بود، متوجه نوری شده که از آسمان پائین آمد و تاریکی زمین فرو رفت. در آن رویا جهان هستی در مقابل چشمانش آمد و در آن نور جا گرفت. در آن لحظه با نگاهی پر از رحمت و محبت به جهان هستی نگریست. آری، خداوند در این رویا به این قدیس عطا کرده بود تا از دید الهی به جهان بنگرد.

دعوتی برای توبه و بازگشت از گناهان

در مقابل واقعه ای هستیم که از سوی هر چهار انجیل نگار نقل گشته است. ندای پدر عیسی را پسر خدا اعلام میکند. دقت کنید که این راز در زمانی نمایان میگردد که اعدام عیسی نزدیک میشود. ندای پدر در این واقعه، شاگردان را متوجه می سازد که عیسی (بر حسب کتاب تشبیه آن "نبی" و بر حسب کتاب اشعیاء نبی "خادم رنجبر") پسر خدای زنده میباشد. ظهور "راز پسر محبوب خدا" بر کسانی نمایان میگردد که به راز خادم رنجبر در شخص عیسی پی خواهند برد و او را خواهند شنید.

وقتی عیسی مرگ و رستاخیزش میگوید، شاگردان نمی توانند آن را درک کنند. آنانی میتوانند به این راز شگرف فقط بعد از رستاخیز او از مردگان پی ببرند. ناگفته نماند که این سه شاگردان، دقیقا همان کسانی هستند که شاهد از نو زنده شدن دختر رئیس کنیسه بودند؛ و در ضمن همان سه نفری بودند که در ساعات عذاب مسیح در باغ جتسیمانی، خوابشان برده بود.

بعدها شاگردان بیاد خواهند آورد که کاتبان به استناد پیشگویی ملاکی نبی، معتقد بودند که قبل از ظهور مسیح موعود، نخست ایلیای نبی بازخواهد گشت. و عیسی از سوی دیگر اعلام کرده بود که ایلیا همان یوحنا تعمید دهنده بوده است؛ هیچکس منتظر این ظهور ناگهانی نبوده و به همین دلیل نتوانستند به راز عیسی مسیح نیز پی ببرند. مرگ یوحنا تعمید دهنده، نمادی از مرگی مسیح بود.

برای فرا رسیدن ملکوت خدا نیز همین واقعه رخ خواهد داد: هیچکس منتظر ظهور آن نخواهد بود! برآستی ما مسیحیان، امروز چگونه منتظر این ظهور هستیم؟ ظهوری با وقایع وحشتناک طبیعی و غیره؟ و یا ملاقات با عیسی پسر خدا (ملکوت خدا) در وقایع ساده روزانه، از کوچکترین و ضعیف ترین آن تا بزرگترین شان؟ فقط کسانی که بدنبال این ملاقات هستند، به آن نائل خواهند شد.

نان

میگویند که قبل از خوردن نان، باید اول آن را با دیگر تقسیم کرد، مثلا با دوستان، با فقیران، با زائران، با میهمانان. وقتی نان را با آنانی که بر سر سفره هستند تقسیم میکنیم، ما عهد همبستگی را با هم میبندیم. وقتی نان را در توبره یک فقیر می اندازیم، او را با زندگی آشتی میدهیم. وقتی کسی بر در خانه از ما نان میخواهد، با دادن نان از او یک برادر میسازیم. اگر کسی شب هنگام به در خانه آید و نان درخواست کند، روح خود را سیر میگردانیم زیرا که تشنه همراهی و همدردی هستیم. وقتی پس مانده نان به پنج هزار نفر را شاگردان مسیح جمع آوری کردند، با این کارشان اعلام کردند که هر که نان را با دیگری تقسیم کند آن را زیاد کرده است. نان قدیمی ترین چیزی است که انسان یاد گرفت آن را با دیگران بخورد.

ما نام مسیحی را بر خود داریم که به همراه آن مسئولیت مسیح بودن را بعهد گرفته ایم، ما دعای ای پدر ما را میخوانیم، پس اولین و مهمترین کارمان این است که بجای نگه داشتن نان و بعد به زباله انداختنش، آن را با برادر خود تقسیم کنیم. هر که شریک نان سفره ام باشد او برادر، خواهر، پدر و مادرم من است.

نان را تقسیم کن تا برادرت را گرسنه و آواره نبینی، او دیگر نمیتواند صبر کند.

نان را تقسیم کن تا عدالت را که تشنه انتشار است، بنمایی، او دیگر نمیتواند صبر کند.

نان را تقسیم کن تا محبتت چون نهر آبی روان گردد و به نهروهای دیگر بیبوند، دیگر صبر مفهومی ندارد.

چرا عید میلاد مسیح را در روز ۲۵ دسامبر برگزار می‌کنیم؟

برگزاری عید میلاد مسیح در کلیسا از قرن چهارم میلادی آغاز شد. وقتی نوبت به تعیین تاریخ این عید رسید، از آنجایی که در انجیل هیچ تاریخی ذکر نشده است، کلیسا تصمیم گرفت یکی از اعیاد بت پرستان را که از نظر زیبایی و مفهوم بسیار نزدیک بود، انتخاب کند؛ یعنی عید "آغاز سلطنت خورشید" که در میان ایرانیان تا به امروز نیز شایع است و بنام "شب یلدا" معروف می‌باشد. تاریخ این عید در جهان غرب آن زمان روز ۲۵ دسامبر و در شرق روز ششم ژانویه می‌بود. مفهوم این عید طولانی تر شدن ساعات روز و کوتاهتر شدن شب بود؛ یا به عبارتی درخشش خورشید بر تاریکی شب غالب می‌شد.

کلیسا در چنین روزی، میلاد آفتاب ابد و مغلوب ناپذیر، که همانا عیسی مسیح است را برگزار می‌کند.

آخور

درست کردن آخور مسیح در ایام عید میلاد، رسمی است که بنا به خواسته حضرت فرانچسکو پا گرفته است. وی در شب عید میلاد ۱۲۲۳ میلادی با آدمهای زنده؛ آخور

محل میلاد مسیح را در کلیسای محل در یکی از دهات کوهستانی ساخت.

این اولین باری بود که نماز شب عید میلاد عیسی با آخوری، آن هم زنده، مزین می‌شد، مردمی که در آنجا حضور داشتند عده ای از دهقانان به همراه خانواده هایشان و همچنین راهبان بودند.

از آن زمان در هر کلیسا و منزلی و حتی در میداین شهر رسم ساختن آخور متداول گشت و مردم بدور آن جمع می‌شدند و با هم دعا می‌کردند و سرودهای میلاد را می‌سراییدند.

شمع عید میلاد

منظور از این شمع همان است که در میان بعضی ملل در مراسم دعای عید آن را روشن می‌کنند که بعضی هم آن را در آخوری که درست می‌کنند، می‌گذارند.

آن شمع یادآور عیسی نور جهان است. بیاد آورید سخنان شمعون پیر در معبد را که در وقت دیدن نوزاد در آغوش مریم مقدس، او را به آغوش خود گرفت و اعلام کرد که چشمانم نور ملل را دید.

این عید برای ما مسیحیان کاتولیک در روز دوم ماه فوریه هر سال برگزار می‌شود.

بطور کلی شمع از تزئینات عید میلاد در منازل است که یادآور درخشش نور مسیح در قلوب انسانهاست ، آنچه که باید همیشه برای آن دعا کرد!

قرن یازدهم در شمال اروپا ، رسومی متداول گشت که بیانگر وقایع کتاب مقدس بودند. مثلاً برای معرفی درخت معرفت نیک و بد که در باغ عدن بود ، ایشان یکی از انواع کاج را برگزیدند و برای تزئین ، انواع میوه ها را بر آن آویزان می کردند ؛ که بعدها کم کم تبدیل به درخت کریسمس امروزه شد.

این درخت سمبلی از مسیح گشت. زیرا درخت کاج در قلب سرما و تاریکی همچنان سبز و پابرجا می ماند ، همانند مسیح که نجات دهنده انسان از تاریکی گناه و بخشاینده حیات ابدیست.

بعدها کم کم به تزئین درخت با انواع میوه و نورهای رنگی پرداختند و در پای آن هدایا و انواع شیرینی را می چیدند ، و این به منزله تشکر از خدا و از محبت بی پایانش نسبت به انسانها بود.

هدایا

هدیه دادن و یا هدیه گرفتن نشانه محبتی است که رد و بدل می شود.

اولین کسی که این رسم را به عید میلاد راه داد خود پدر آسمانی یمان بود. آری او با دادن پسر محبوبش عیسی مسیح ، نهایت محبتش را به عالم هستی نشان داد.

راستی هیچ فکر کرده اید که عیسی از چه هدایایی خوشش می آید؟

آیا هدیه خود را برای او حاضر کرده اید؟

بابانوئل

حضرت نیکلا که در حدود سال ۲۷۰ میلادی زندگی می کرد ، اسقف یکی از شهرهای کوچک ترکیه فعلی بود. او در حوزه خلیفه گریش توجه مخصوصی به فقیران داشت. به این نحو که خودش شخصاً ارابه اش را از مواد غذایی پر می کرد و به ملاقات مردم نیازمند می رفت شکم ایشان را سیر می نمود و بعد برایشان از کلام خدا و مژده نجات الهی تعریف می کرد. این قدیس شب عید میلاد نیز بر ارابه اش سوار می شد اما با ظاهری بسیار متفاوت. لباس قرمزی به تن می کرد و برای همه بچه های فقیر حوزه خلیفه گریش شیرینی و لباس گرم می برد.

بعد از او بسیاری سعی کردند تا برحسب سرمشق این مرد بزرگ ، در ایام عید میلاد مسیح اول به فکر نیازمندان باشند بعداً به فکر خودشان.

آری ، امروز هم این سنت زیبا ادامه دارد و از کوچک و بزرگ منتظر آمدن بابانوئل هستند. برآستی چرا؟

شاید چون همه ما انسانها نیاز به محبت داریم و امروز هم روز عید محبت است. خدای پدر با دادن پسر محبوبش ، برای نجات ما آدمیان بزرگترین هدیه عالم هستی را به ما هدیه داده است.

همیشه "چشم" گفتن نیست. فروتنی یعنی اینکه فرد قادر باشد در مقابل منطق و حقیقت از خواست خود چشم بپوشد، اگر هم قادر نباشد این منطق و حقیقت را دریابد، اقلأ سعی کند حرف طرف مقابلش را بشنود و اطمینان خودش را به او نشان دهد. اینطور ما می توانیم با هم زندگی کنیم.

یک ازدواج موفق داشتن، حاکم شدن بر طرف نیست. شما وقتی از هم لذت می برید که بتوانید با هم مسائل را مطرح و زندگی را بسازید. اینجاست که برای هم تبدیل به تکیه گاه می شویم. تکرار می کنم رعایت احترام و ادب بین همسرین باعث تحکیم محبت ایشان نسبت به هم می شود و تبادل افکار و در میان گذاشتن مسائل و چاره جویی مشترک برآستی آن دو را بسوی یک زندگی مشترک واقعی هدایت و مستحکم می گرداند. زندگی ای پایدار می ماند که نه بر تخیلات بلکه بر حقیقت بنا شده باشد. دو طرف باید سعی کنند همدیگر را بشناسند و بدانند که در کنار خصایص زیبای طرف، عیوب او نیز بر جایشان هستند و عیوب آدمی به هیچ وجهی محو نمی شوند.

خلاصه:

حرف آخر بنده و شاید مهمترین رکن موفقیت در ازدواج، دقت در چگونگی ارتباط بین طرفین از هر دو جانب می باشد. و موفق ترین ارتباط آن است که بر پایه ادب و احترام بنا شده باشد. همسر بودن به این معنی نیست که بنده با طرف خودم با لحنی حرف بزنم و یا بخودم اجازه هر رفتاری بدهم. محبت بین همسرین به اندازه ای که ادب و احترام رعایت شود، قویتر می گردد. "وقتی وارد خانه خود" می شوید تازه باید آن را بسازید؛ یادتان باشد هنوز خانواده تشکیل نشده؛ از لحظه ای که زیر یک سقف می روید شما تازه کار "بنای خانه و خانواده" را شروع می کنید. احترام و صداقت دو ستون اصلی این بنا هستند و شعله های عشق را فروزان نگه می دارند.

خداوند به شما برکت دهد!

ما همدیگر را دوست داریم و می خواهیم ازدواج کنیم اما شروع یک زندگی نو با خود ترس های بسیاری دارد. ما را در اجرای تصمیممان یاری کنید.

ترس شما بسیار بجاست. ازدواج امریست بسیار جدی و اندیشیدن به همه جوانب این امر کاریست بسیار عاقلانه.

قبل از هر چیز متشکریم از ضمائیر افعال جمع که بکار بردید چون این خود نشان می دهد که با هم حرف می زنید و با هم سؤال مطرح می کنید. و با هم بدنبال جواب هستید. ازدواج یعنی به اوج رسیدن یک "من" و یک "تو". وقتی از همین حالا شما تبادل افکارتان را اینقدر به هم نزدیک کرده اید که حتی در طرح سؤال از ضمائیر "ما" استفاده می کنید، شما نصف راه را رفته اید یا بهتر بگوییم، شروع شما بسیار درست است. چرا این را می گویم چون "ما" شدن مستلزم فروتنی و گذشت است.

اگر در اطرافتان دقت کرده باشید هنوز هم عده ای از زن و شوهرها وقتی از زندگی خودشان و از مسائل اقتصادی خانواده صحبت می کنند هنوز می گویند "من از نظر مالی برایم سخت است" یا "من میهمانان فراوانی داشتم" در حالی که زن و شوهر باهم میهمان دارند و باهم مسائل اقتصادی شان را حل و فصل می کنند.

بکارگیری "من" وقتی "ما" شدیم یعنی برتری خود را دائم حفظ کردن و اعلام داشتن. در حالی که در ازدواج مسئله "یکسان شدن" یا "یکی شدن" مطرح است و لازمه یکی شدن فروتنی است. ضامن ماندگار شدن محبت و عشق بین همسرین فضیلت فروتنی است.

فرزندان عزیزم، جایی که ادب و احترام حاکم است بکارگیری تواضع راحت تر و تداوم عشق طرفین حتمی است. فروتنی یعنی قبل از "من" دیگری را رعایت کردن. جایی که همیشه یک "من" می خواهد حاکم بماند گرمای محبت بین طرفین به سردی می گراید. بهترین راه رسیدن به توافق و برطرف کردن سوء تفاهم، صحبت کردن است. این بزرگترین نقطه ضعف حاکم در میان ما است.

برای ما عموماً صحبت کردن و در میان گذاشتن مسائل و به توافق رسیدن به سختی جابجا کردن کوه است! حال آنکه راز تداوم زندگی زناشویی در رعایت همین نقطه می باشد. در اینجا می خواهیم بگوییم که منظور از فروتنی "مظلوم" شدن یا

اخبار و تقویم کلیسای

- یکشنبه ۱۶ آذر ۹۳ = ۷ دسامبر ۲۰۱۴، یکشنبه دوم سوپارا

رساله: کولسیان فصل ۴ آیه ۲ الی ۱۸

انجیل: لوقا فصل ۱ آیه ۲۶ الی ۵۶

- دوشنبه ۱۷ آذر ۹۳ = ۸ دسامبر ۲۰۱۴، عید حضرت مریم مبرا از گناه می باشد، مراسم این عید روز یکشنبه ۱۶ آذر برگزار می شود.

- یکشنبه ۲۳ آذر ۹۳ = ۱۴ دسامبر ۲۰۱۴، یکشنبه سوم سوپارا

رساله: افسسیان فصل ۳ آیه ۱ الی ۱۴

انجیل: لوقا فصل ۱ آیه ۵۷ الی ۸۰

- یکشنبه ۳۰ آذر ۹۳ = ۲۱ دسامبر ۲۰۱۴، یکشنبه چهارم سوپارا

رساله: افسسیان فصل ۵ آیه ۵ الی ۲۱

انجیل: متی فصل ۱ آیه ۱۸ الی ۲۵

- سه شنبه ۲ دی ۹۳ = ۲۳ دسامبر ۲۰۱۴، روزه میلاد، پرهیز از گوشت

- چهارشنبه ۳ دی ۹۳ = ۲۴ دسامبر ۲۰۱۴، نماز بزرگ شب عید میلاد مسیح ساعت ۱۱ شب در کلیسای حضرت یوسف و ساعت ۷ بعدازظهر در کلیسای حضرت مریم برگزار می گردد.

- پنجشنبه ۴ دی ۹۳ = ۲۵ دسامبر ۲۰۱۴، عید باشکوه تولد عیسی مسیح، نماز بزرگ ساعت ۱۰ صبح در کلیسای حضرت یوسف و کلیسای حضرت مریم برگزار می گردد.

- جمعه ۵ دی ۹۳ = ۲۶ دسامبر ۲۰۱۴، روز دوم عید میلاد و تبریک گفتن به حضرت مریم، نماز ساعت ۱۰:۳۰ در کلیسای حضرت مریم برگزار می گردد.

- یکشنبه ۷ دی ۹۳ = ۲۸ دسامبر ۲۰۱۴، یکشنبه اول میلاد

رساله: غلاطیان فصل ۴ آیه ۱۸ الی فصل ۵ آیه ۱

انجیل: متی فصل ۲ آیه ۱ الی ۲۳

- چهارشنبه ۱۰ دی ۹۳ = ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴، نماز سال جدید میلادی ۲۰۱۵ ساعت ۱۱ شب در کلیسای حضرت یوسف برگزار می گردد.

توجه: جمعه ۵ دی ۹۳ = ۲۶ دسامبر ۲۰۱۴، مراسم تبریک عید میلاد بین کلیساها ساعت ۴ الی ۶ بعدازظهر در کلیسای حضرت یوسف برگزار می گردد.